

آسیب‌شناسی موانع تدوین پایان‌نامه در حوزه اقتصاد و بانکداری اسلامی

* حسین میسمی

*** احمد شعبانی**، محمدحسن حقیقی***

چکیده

این تحقیق تلاش می‌کند تا ضمن شناخت وضع موجود تدوین پایان‌نامه در دانشگاه‌های کشور در حوزه اقتصاد و بانکداری اسلامی، چالش‌های موجود در این زمینه را مورد بررسی قرار داده و راه‌حل‌هایی ابتدایی نیز ارائه نماید. به منظور بررسی وضع موجود، نمونه‌ای از پایان‌نامه‌های دفاع‌شده در دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبایی، امام صادق (ع)، تربیت مدرس، مفید، الزهرا (س) و علوم اقتصادی را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. یافته‌های این تحقیق که بر اساس روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا به دست آمده‌اند، نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از پایان‌نامه‌های دفاع‌شده به موضوعات متعارف پرداخته و در بهترین حالت همان موضوعات را برای اقتصاد ایران کاربردی کرده‌اند. از این رو، مواردی که در آن‌ها مستقیماً به حوزه‌های مفهومی و کاربردی اقتصاد و بانکداری اسلامی توجه شده باشد، بسیار محدود است. علاوه بر این، به نظر می‌رسد چالش‌ها و علل معینی موجبات ضعف پژوهش را در حوزه اقتصاد و بانکداری اسلامی فراهم آورده‌اند که نمی‌توان نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت بود. یافته‌های این تحقیق دلالت‌های مشخصی به منظور اصلاح نظام پژوهش اقتصاد و بانکداری اسلامی در کشور ارائه می‌دهد.

* کارشناس ارشد پژوهشکده پولی و بانکی و دانشجوی دکتری رشته اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)
(نویسنده مسئول) meisami@isu.ac.ir

** استادیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع) ashksadeq@yahoo.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع) haghghi1985@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۹

کلیدواژه‌ها: اقتصاد و بانکداری اسلامی، پژوهش، پایان‌نامه، رشته اقتصاد، ایران.

۱. مقدمه

نظام آموزش و پژوهش اقتصاد و همچنین سایر حوزه‌های علوم انسانی در هر کشوری، پژوهشگران و اقتصاددانان را تربیت کرده و در عین حال از نتیجه عملکرد آن‌ها به منظور تقویت خود بهره می‌برد و هرچه این نظام قوی‌تر باشد، تولید علم، نظریه‌پردازی، بسط نظری و بومی‌سازی مفاهیم سریع‌تر اتفاق می‌افتد. از طرفی، بدیهی است که یکی از راه‌های توسعه هر رشته‌ای از دانش، میزان تحقیقات و پژوهش‌هایی است که در آن حوزه انجام می‌شود. اقتصاد اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نبوده و لذا نمی‌توان به توسعه این رشته امید داشت، ولی به پژوهش‌ها و به طور خاص پایان‌نامه‌هایی که در این حوزه تدوین می‌شود، بی‌توجه بود (درخشان، ۱۳۸۱: ۳).

بررسی پایان‌نامه‌های دفاع‌شده در دانشکده‌های اقتصاد در کشور، به‌وضوح نشان می‌دهد که در این ساختار کمبود شدیدی در زمینه تحقیق در حوزه اقتصاد اسلامی وجود دارد. در واقع، با توجه به دشواری انجام پژوهش‌های نظری و کاربردی در این حوزه، دانشجویان معمولاً از واردشدن به آن خودداری می‌کنند. در دیدگاه دانشجویان، «اولین»، «علمی‌ترین» و «کم‌دردسرتین» پایان‌نامه‌ها، مواردی‌اند که از روش‌های سنجی، آماری و ریاضی مشخص بهره برده و در مقابل، ورود دانشجو به عرصه‌هایی از مسائل مفهومی و کاربردی اقتصاد اسلامی که از اهمیت بسیاری برخوردار است، اما نمی‌توان الگوهای آماری و سنجی مشخصی را در آن‌ها به‌کاربرد، بسیار پرهزینه و کم‌بازده است (کریمی، ۱۳۸۳: ۶).

این در حالی است که حتی در نظام اقتصاد متعارف نیز توجه بیش از حد به مباحث ریاضی و سنجی مورد انتقاد اقتصاددانان قرار گرفته است. در واقع، مشاهده می‌شود که طی دهه‌های اخیر، توجه به مباحث مفهومی، بررسی ارتباط میان عوامل اقتصادی و غیراقتصادی و تمرکز بر روی پیوند علم اقتصاد با دیگر علوم انسانی همچون حقوق، تاریخ، سیاست و جامعه‌شناسی، افزایش چشمگیری داشته است. اعطای جایزه نوبل اقتصاد به بوکانان (تحلیل اقتصادی سیاست)، رونالد کوز (هزینه‌های مبادله)، داگلاس نورث (نقش نهادها)، استیگلیتز و آکرف (اطلاعات نامتقارن)، آمارتیا سن (دموکراسی و قحطی) و غیره، خود تأییدی بر این ادعاست (همان: ۵).

با توجه به آنچه مطرح شد، به نظر می‌رسد بررسی وضع موجود پژوهش اقتصاد اسلامی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی کشور و همچنین آسیب‌شناسی این وضعیت یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. به عبارت دیگر، تا زمانی که برنامه‌ریزان و سایر ذی‌نفعان نظام آموزش و پژوهش اقتصاد و اقتصاد اسلامی، چشم‌انداز مناسبی از وضع موجود نداشته‌باشند، نمی‌توانند به فکر ارائه برنامه‌ای مناسب به منظور ایجاد تحول در راستای دستیابی به اهداف مورد نظر باشند.

این تحقیق تلاش می‌کند تا ضمن بررسی، ارزیابی و تحلیل وضع موجود تدوین پایان‌نامه در حوزه اقتصاد و بانکداری اسلامی (به عنوان یکی از حوزه‌های اصلی نظام پژوهش)، چالش‌هایی را که در این باره وجود دارد، شناسایی کرده و با ارائه راه‌حل‌هایی ابتدایی، زمینه تحقیقات بیشتر و جامع‌تر را در این حوزه فراهم نماید.

ساختار این مقاله بدین صورت است که پس از این مقدمه، روش تحقیق و تاریخچه‌ای از آموزش اقتصاد در ایران ارائه شده و پس از آن، وضع موجود پایان‌نامه‌های تدوین شده در حوزه اقتصاد و بانکداری اسلامی از طریق بررسی نمونه‌ای پایان‌نامه‌های دفاع شده در دانشگاه‌های کشور مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. فرضیه مطرح در این قسمت آن است که بخش قابل توجهی از پایان‌نامه‌های دفاع شده به موضوعات اقتصاد متعارف پرداخته و در بهترین حالت همان موضوعات را برای اقتصاد ایران کاربردی کرده‌اند. از این رو، مواردی که در آنها مستقیماً به حوزه‌های مفهومی و کاربردی اقتصاد و بانکداری اسلامی توجه شده باشد، بسیار محدود است. پس از آنکه وجود ضعف در حوزه پژوهشی اقتصاد و بانکداری اسلامی مشخص گردید، علل احتمالی این امر (موانع تدوین پایان‌نامه) مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت راهکارهایی برای اصلاح وضع موجود ارائه می‌شود. لازم است توجه شود که بحث بررسی و تحلیل آموزش و پژوهش اقتصاد و بانکداری اسلامی خیلی مورد توجه محققان و اقتصاددانان نبوده است و لذا تحقیقات محدودی در این زمینه وجود دارد که در قسمت‌های بعد و به مناسبت به آن‌ها اشاره می‌شود.^۱

۲. روش تحقیق

این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و روش تحقیق مورد استفاده در آن، مرور گسترده ادبیات، تحلیل محتوا و روش کتابخانه‌ای است. علاوه بر این، تلاش می‌شود تا از روش بررسی تطبیقی و مقایسه دیدگاه‌ها نیز استفاده گردد.

۳. مروری تاریخی بر آموزش علم اقتصاد در ایران و جایگاه اقتصاد و بانکداری اسلامی

دانشگاه تهران (قدیمی‌ترین دانشگاه ایران در دوره معاصر)، در سال ۱۳۱۳ تأسیس گردید، ولی رشته اقتصاد آن دانشگاه، به عنوان زیرگروهی از دانشکده حقوق، به صورت رسمی در سال ۱۳۴۲ بنیان نهاده شد. در عین حال، زمینه شکل‌گیری نخستین گروه اقتصاد در کشور، در سال ۱۳۳۴ در دانشگاه شیراز و دومین آن در سال ۱۳۳۹ در دانشگاه شهید بهشتی فراهم گردید. پس از این تاریخ، رفته‌رفته رشته اقتصاد در دیگر مؤسسات آموزش عالی نیز راه‌اندازی شد. در سال ۱۳۴۲، نظام آموزش واحدی در برخی از مؤسسات و در سال ۱۳۴۵ تقریباً برنامه رسمی آموزش واحدی (با شیوه آموزش امریکایی) در تمامی مؤسسات راه‌اندازی شد (دادگر، ۱۳۸۴: ۸).

به دنبال انقلاب فرهنگی در اوایل دهه شصت، مسئولان محترم ستاد انقلاب فرهنگی با کمک اساتید دانشگاه‌ها و مدرّسان حوزه‌های علمیه، به تدوین سرفصل‌های دروس دانشگاهی منطبق با اهداف انقلاب اسلامی (به‌خصوص در رشته‌های علوم انسانی) همت گماردند. هدف این تلاش‌ها در رشته اقتصاد، اضافه کردن مطالبی برخاسته از اعتقادات و فقه اسلامی به دروس این رشته بود تا دانشجوی در کنار مباحث متعارف رشته اقتصاد، با نظرهای فقهی و اسلامی در رابطه با موضوعات مختلف اقتصادی نیز آشنا شود (صدر، ۱۳۸۲: ۵). اما در واقع امر، آنچه در عمل اتفاق افتاد، تنها اضافه‌شدن چند درس جدید به دروس رشته اقتصاد بود که بعضی از آنها نیز به روش‌های گوناگون در بعضی دانشگاه‌ها حذف گردید. این دروس عبارت‌اند از: مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، نظام‌های اقتصادی صدر اسلام و بانکداری اسلامی که درسی اختیاری است.

این در حالی است که گروهی دیگر از کشورهای اسلامی اقدامات نسبی قابل توجهی در این عرصه انجام داده‌اند؛ به عنوان نمونه، کشورهای عربستان سعودی، پاکستان، اندونزی و مصر به راه‌اندازی اقتصاد اسلامی در مقاطع دکتری اقدام کرده‌اند. کشورهای عراق، بحرین، سودان، پاکستان و مالزی، رشته یا گرایش اقتصاد اسلامی را در مقطع فوق لیسانس و کشورهای اندونزی، مصر، کویت و سوریه، رشته یادشده را در سطح لیسانس تأسیس کرده‌اند (میسمی، ۱۳۸۹: ۷۶؛ دادگر، ۱۳۸۴: ۱۲).

بنابراین، می‌توان مدّعی بود آنچه در عمل در تاریخ آموزش علم اقتصاد در کشور اتفاق افتاد، آن بود که دروس مرتبط با اقتصاد اسلامی تنها بخش بسیار کوچکی از برنامه

درسی رشته اقتصاد را به خود اختصاص داد و این عامل در کنار سایر کاستی‌های آموزشی و پژوهشی، به آنجا منجر شد که نهضت ترجمه‌گرایی در رشته اقتصاد (همانند سایر رشته‌های علوم انسانی) قوت قابل توجهی یافت، به نحوی که در طول دوره پس از انقلاب و حتی در حال حاضر، اکثر دروس رشته اقتصاد بر اساس کتب فارسی ترجمه شده، آموزش داده می‌شوند؛ کتاب‌هایی که در آن‌ها نه تنها هیچ بحثی در رابطه با مباحث اقتصاد اسلامی وجود ندارد، بلکه حتی یک مثال از اقتصاد ایران نیز وجود نداشته و کتبی صرفاً نظری که در دانشگاه‌های غربی نیز کمتر مشابهی دارد، در اختیار دانشجویان قرار می‌گیرد (پوریزدان‌پرست، ۱۳۸۳: ۷).

به لحاظ اصلاحات نیز، آموزش علم اقتصاد در ایران در وضع نامناسبی به سر می‌برد. آخرین اصلاحات اساسی صورت گرفته در مورد برنامه آموزشی اقتصاد در ایران، به ۴۰ سال پیش یعنی سال ۱۳۴۶ مربوط است. البته، در سال ۱۳۶۲ اصلاحاتی جزئی برای تطابق محتوای برخی دروس با تعالیم اسلامی به عمل آمد که همان‌طور که آمد، نتوانست تغییری اساسی در برنامه درسی اقتصاد ایجاد کند. بنابراین، در یک دوره تقریباً ۴۰ ساله، هیچ نوع بازنگری اساسی در نظام آموزشی اقتصاد صورت نگرفته است. این در حالی است که در مدت مشابه، نظام آموزشی دانشگاهی کشورهای پیشرفته حداقل پنج بار مورد بازنگری قرار گرفته و اصلاحات لازم در آن صورت پذیرفته است (Fulton, 2002: 12). لازم است توجه شود که اصلاحات در نظام آموزشی امری بسیار مهم بوده و به قول پروفیسور لوید، صاحب نظر مشهور روش‌ها و سیاست‌های آموزش و پرورش، اهداف آموزش در هر مقطع و جامعه‌ای با مقطع و جوامع دیگر متفاوت است و لازم است با توجه به شرایط جامعه همواره در معرض اصلاح و تجدیدنظر باشد. اصلاح هدف‌گذاری در نظام آموزشی باید به گونه‌ای باشد که کیفیت‌های ذهنی و نگرش‌ها، سازگار با هنجارهای جامعه گردیده و برنامه‌های درسی نیز به نحوی تدوین گردد که از نوعی پویایی برخوردار بوده و برای آن جامعه نیز در عمل سودمند باشد (Lloyd, 1967: 13).

بررسی تجربه کشورهای پیشرفته در این زمینه به خوبی نشان‌دهنده آن است که همواره کمیته‌ای از برجسته‌ترین متخصصان رشته‌های برنامه‌ریزی آموزشی و رشته‌های مرتبط با آن را مأمور می‌کنند که به شکلی پیوسته و منظم به مطالعه فرازها و فرودهای نظام آموزشی پرداخته، در جهت وارد کردن پژوهش‌ها و تحقیقات جدید در نظام آموزش تلاش کنند و طرح‌های اصلاحی خود را برای شورای عالی سیاست‌گذاری آموزشی ارسال دارند، زیرا

آن‌ها به این باور رسیده‌اند که اصلاح نظام آموزشی پشتوانه شکوفایی علمی و حل مشکلات عملی است. در واقع، جامعه‌ای که نظام آموزش مناسب داشته باشد، مسائل مربوط به ثروت و اقتصادش نیز حل خواهد شد، زیرا ضعف نظام آموزش به‌ویژه در علوم انسانی و فقر اقتصادی، بالاترین پیوند علی و معلولی را دارا هستند (Pulliam, 2002: 14).

با توجه به این سیر تاریخی در رشته اقتصاد و جایگاه ضعیف تعلیم اقتصاد اسلامی در آن، کاملاً طبیعی است که بهترین فارغ‌التحصیلان رشته اقتصاد معمولاً با واقعیات کشور و اعتقادات اسلامی حاکم بر مردم کشور (به عنوان نمونه مسئله حرمت ربا و بهره)، بیگانه تربیت شوند. لذا، خیلی دور از ذهن نخواهد بود اگر عنوان شود که نظام آموزش فعلی رشته اقتصاد در بهترین حالت، فقط توانایی تربیت کارشناسانی را دارد که بتوانند مدل‌ها و روابط اقتصادی علی - معلولی را که در اقتصاد متعارف مطرح می‌شود (با در نظر گرفتن فروض ساده‌کننده متعدد) با آمار ایران مجدداً آزمون نمایند. از این رو، نمی‌توان از چنین نظام آموزشی انتظار داشت متفکرانی منتقد تربیت کند که بتوانند مسائل اقتصاد ایران را به عنوان یک کشور اسلامی تجزیه و تحلیل کنند. این ضعف در دانشجویان یک دوره، ضعف اساتید دوره بعد خواهد بود و این خود دور باطلی را به وجود می‌آورد که ادامه خواهد یافت و هزینه‌های بسیاری برای کشور به همراه دارد (درخشان، ۱۳۸۱: ۵).

پس از بررسی سیر تاریخی آموزش علم اقتصاد در کشور و جایگاه اقتصاد اسلامی در آن، زمینه‌های لازم به منظور ورود در بحث شناخت وضع موجود پژوهش اقتصاد اسلامی (با تأکید بر پایان‌نامه‌های تدوین شده در حوزه اقتصاد اسلامی) و سپس انجام آسیب‌شناسی فراهم گردیده است. در ذیل به این موضوعات می‌پردازیم.

۴. وضع موجود تدوین پایان‌نامه در حوزه اقتصاد و بانکداری اسلامی

طبیعتاً، پیش از ورود در بحث موانع تدوین پایان‌نامه در حوزه اقتصاد اسلامی، لازم است شناخت مناسبی از وضع موجود ارائه گردد، چراکه اگر شناخت درستی از وضع موجود ارائه نشود، امکان ارائه توصیه‌های کاربردی به منظور حرکت به سمت وضع مطلوب وجود نخواهد داشت. برای انجام این کار، در این قسمت به بررسی پایان‌نامه‌های دفاع شده در دانشکده‌های اقتصاد می‌پردازیم. بدین منظور و به دلیل آنکه دسترسی به پایان‌نامه‌های تمامی مؤسسات میسر نیست، به عنوان نمونه، پایان‌نامه‌های دفاع شده در دانشگاه تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبایی، امام صادق (ع)، تربیت مدرس، مفید، الزهرا (س) و علوم

اقتصادی را مورد مطالعه قرار می‌دهیم؛ در ضمن، از هر دانشگاه ۳۰۰ پایان‌نامه به عنوان نمونه بررسی می‌شود. نتایج این بررسی در جدول ۱ بیان شده است.^۲

جدول ۱. پایان‌نامه‌های تدوین شده در حوزه اقتصاد و بانکداری اسلامی^۳

تعداد پایان‌نامه‌هایی که مستقیماً در حوزه اقتصاد اسلامی تدوین گردیده‌اند	تعداد پایان‌نامه‌هایی که مستقیماً در حوزه اقتصاد اسلامی تدوین گردیده‌اند	تعداد پایان‌نامه‌های بررسی شده	دانشگاه
۲۸۲ (۹۴)	۱۸ (۶)	۳۰۰	دانشگاه تهران
۲۸۵ (۹۵)	۱۵ (۵)	۳۰۰	دانشگاه شهید بهشتی
۲۸۱ (۹۳/۷)	۱۹ (۶/۳)	۳۰۰	دانشگاه علامه طباطبایی
۲۰۴ (۶۸)	۹۶ (۳۲)	۳۰۰	دانشگاه امام صادق (ع)
۲۸۶ (۹۵/۴)	۱۴ (۴/۶)	۳۰۰	دانشگاه تربیت مدرس
۲۸۲ (۹۴)	۱۸ (۶)	۳۰۰	دانشگاه الزهرا
۹۸ (۸۹/۱)	۱۲ (۱۰/۹)	۱۱۰	دانشگاه مفید
۹۶ (۹۷/۹۹)	۲ (۲/۱)	۹۸	دانشگاه علوم اقتصادی
۲۲۶,۷۵ (۹۰/۴)	۲۴,۲ (۹/۶)	۲۵۱	میانگین دانشگاه‌ها
۱۸۱۴ (۹۰/۴)	۱۹۴ (۹/۶)	۲۰۰۸	کل دانشگاه‌ها
* منبع: تارنمای کتابخانه‌های دانشکده‌های اقتصاد			
** توجه: اعداد داخل پرانتز بیان‌کننده درصد هستند.			

نتایج این بررسی، ضمن تأیید دیگر مطالعات (مالجو، ۱۳۸۱؛ کریمی، ۱۳۸۳)، حاکی از آن است که از مجموع بیش از ۲۰۰۰ پایان‌نامه تدوین شده در دانشکده‌های اقتصاد دانشگاه‌های کشور، بخش قابل توجهی از پایان‌نامه‌ها (۹۰/۴ درصد) به موضوعات اقتصاد متعارف پرداخته و در بهترین حالت همان موضوعات را برای اقتصاد ایران کاربردی کرده‌اند. از این رو، مواردی که در آن‌ها مستقیماً به حوزه‌های مفهومی و کاربردی اقتصاد و بانکداری اسلامی توجه شده باشد، بسیار محدود است (۹/۶ درصد). با توجه به ارقام جدول، می‌توان بیان داشت که به‌رغم اهمیت مباحث مرتبط با اقتصاد اسلامی و واضح بودن این مطلب که کشوری اسلامی مانند ایران نیاز مبرمی به پژوهش‌های نظری و کاربردی اقتصاد اسلامی (شامل بانکداری و مالی اسلامی) دارد، متأسفانه پایان‌نامه‌های بسیاری در

حوزه اقتصاد اسلامی تدوین نمی‌شود. با توجه به این شرایط، به‌نظرمی‌رسد که اگر وضعیت به همین صورت ادامه‌یابد، نمی‌توان به تولید علم و توسعه اقتصاد اسلامی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی کشور در آینده‌ای نزدیک امیدوار بود.

۵. موانع تدوین پایان‌نامه در حوزه اقتصاد اسلامی

حال که اثبات گردید پایان‌نامه‌های بسیاری در حوزه اقتصاد اسلامی تدوین نمی‌شود، طبیعتاً قدم بعدی پاسخ به این پرسش است که علت این امر چیست و چرا دانشجویان مایل به تحقیق در حوزه‌های مفهومی و کاربردی اقتصاد اسلامی نیستند. در ذیل، با استفاده از تحقیقات انجام‌شده، به برخی از مهم‌ترین این عوامل اشاره می‌شود.

۱,۵ عدم درک اهمیت و ضرورت تدوین پایان‌نامه در حوزه اقتصاد اسلامی

یکی از حوزه‌هایی که اسلام درباره آن مباحث بسیاری را مطرح کرده‌است، حوزه اقتصاد است. در واقع، در دیدگاه اسلامی، پیروی از دستورهای اسلامی فقط به عبادات محدود نمی‌شود، بلکه لازم است اقتصاد جامعه اسلامی نیز در سطح ایده‌آل و مورد نظر شارع قرار داشته‌باشد. شاید، از این رو است که قرآن کریم در آیات متعدد نماز و عبادات را در کنار مباحث مادی و مالی مانند زکات قرار می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۴۸۲؛ مکارم، ۱۳۷۲: ۵۳۶). از طرف دیگر، کشور ایران نیز کشوری اسلامی است و قانون اساسی‌اش بر مبنای فقه جعفری نوشته‌شده‌است. به‌رغم تمامی این موارد، متأسفانه هنوز اعتقادی راسخ به توانمندی و ضرورت توجه به تعالیم اقتصادی اسلام (حداقل در کنار مباحث اقتصاد متعارف)، در بین بسیاری از اساتید و دانشجویان رشته اقتصاد در کشور دیده نمی‌شود.

این در حالی است که خود اقتصاددانان نظام متعارف نیز پس از مشاهده مشکلات اقتصادی که در این نظام به‌وجود آمد و به‌ویژه پس از بروز بحران‌های متعدد (که بحران مالی سال ۲۰۰۸ در جهان نمونه‌ای از آن است)، قوت نظریات علمی اقتصاد را مورد تردید و بازخوانی قرار داده‌اند. وجود این مشکلات در اقتصاد سرمایه‌داری، خود زمینه توجه بیشتر به اقتصاد و مالیه اسلامی را فراهم ساخته است؛ به عنوان نمونه، در رابطه با بحران مالی اخیر، برخی از محققان به‌درستی نشان داده‌اند که چگونه متابعت از تعالیم اسلامی در حوزه بانکداری و مالیه اسلامی (به عنوان نمونه نفی غرر و ربا) می‌توانست با جلوگیری از رشد نامتناسب بخش پولی، از به‌وجود آمدن چنین بحران‌هایی جلوگیری کند (صدیقی، ۱۳۸۹: ۲۳).

اهمیت مسئله «درک ضرورت»، زمانی واضح تر مطرح خواهد شد که به این نکته توجه گردد که پژوهش در هر حوزه‌ای مستلزم آن است که محقق احساس کند که در این حوزه نیاز به تحقیق وجود دارد و انجام چنین تحقیقی مفید خواهد بود. اگر چنین احساسی وجود نداشته باشد، نمی‌توان شاهد تولید علم در این حوزه بود. در حال حاضر، به نظر می‌رسد بسیاری از دانشجویان و حتی اساتید ضرورت پژوهش در حوزه اقتصاد اسلامی را به درستی درک نکرده‌اند. در واقع، هنوز این پرسش مطرح است که چه ضرورتی برای تدوین پایان‌نامه در این حوزه وجود دارد. به عبارت دیگر، اشکال جریان غالب اقتصاد متعارف کدام است که لازم است گفتمان علمی اقتصاد اسلامی به منظور حل این مشکل مطرح گردد؟

۲,۵ جایگاه ضعیف دروس اقتصاد و بانکداری اسلامی در برنامه مصوب وزارت علوم

به جرئت می‌توان گفت یکی از چالش‌های تدوین پایان‌نامه در حوزه اقتصاد اسلامی، مسئله عدم تناسب برنامه درسی رشته اقتصاد است. در واقع، با توجه به جایگاه ضعیفی که تعالیم اقتصاد اسلامی در برنامه درسی مصوب وزارت علوم برای رشته اقتصاد دارد، امکان ایجاد پرسش درباره تعالیم اسلامی برای دانشجویان فراهم نمی‌شود و این خود تدوین پایان‌نامه را در این حوزه با مشکل مواجه می‌سازد. به منظور درک بهتر این مشکل، مناسب است که برنامه درسی وزارت علوم برای رشته اقتصاد مورد بررسی قرار گرفته و جایگاه دروسی که مستقیم و یا غیرمستقیم به اقتصاد اسلامی مرتبط می‌شوند، معین گردد.

بررسی دقیق برنامه درسی مصوب وزارت علوم، که از سال ۱۳۶۶ اجرایی گردید، نشان می‌دهد که دانشجویان دوره کارشناسی رشته اقتصاد در دانشگاه‌های کشور، می‌بایست ۱۳۵ واحد درسی را بگذرانند. همچنین، شش گرایش شامل اقتصاد نظری، اقتصاد بازرگانی، اقتصاد صنعتی، اقتصاد حمل و نقل، اقتصاد پول و بانکداری و اقتصاد کشاورزی برای رشته علوم اقتصادی در نظر گرفته شده است. بررسی برنامه گرایش اقتصاد نظری به عنوان اصلی‌ترین گرایش رشته اقتصاد نشان می‌دهد که این برنامه از بخش‌های گوناگونی تشکیل شده است: در بخش نخست، اهداف کلی آموزش دوره کارشناسی اقتصاد، تعلیم و تربیت کارشناسانی عنوان شده است که بتوانند:

- الف) دیدگاه و تفکری که منبعث از جهان‌بینی اسلامی و منطبق با اصول و ضوابط مکتب اقتصادی اسلام باشد، دریافت کنند؛
- ب) مسائل و مشکلات اقتصادی واحدهای بخش عمومی و خصوصی را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل عملی قرار داده، در ارائه راهکار با کارشناسان ارشد همکاری کنند؛
- ج) در سطوح مختلف مدیریت اقتصادی واحدهای دولتی و غیردولتی، با استفاده از تجارب علمی انجام وظیفه کنند؛
- د) بنیه علمی لازم برای ادامه تحصیل و کسب تخصص در سطوح بالاتر را به دست آورند.

بررسی تعداد واحدهای درسی نشان می‌دهد که کل واحدهای یادشده برای هر گرایش در برنامه کارشناسی علوم اقتصادی، ۱۳۵ واحد بدین شرح است: دروس عمومی، ۲۰ واحد؛ دروس اصلی، ۷۸ واحد؛ دروس اختصاصی (اجباری)، ۲۸ واحد؛ دروس اختصاصی (اختیاری)، ۹ واحد.

به منظور دریافت درک صحیح از جایگاه اقتصاد و مالیه اسلامی در برنامه مصوب رشته اقتصاد در کشور، لازم است به بررسی جزئی‌تر دروس پرداخته شود. ارزیابی دقیق‌تر دروس عمومی، اصلی و اختصاصی نشان می‌دهد که گرچه آشنایی با تعالیم اقتصادی اسلامی نخستین هدف برنامه درسی رشته اقتصاد عنوان شده است، درس‌هایی که مستقیم و یا غیرمستقیم به آموزش اقتصاد و مالیه اسلامی مرتبط می‌شوند، بسیار محدود بوده و به نظر می‌رسد به هیچ وجه نمی‌توانند این هدف را تأمین کنند؛ به عنوان نمونه، در دروس عمومی، که در برنامه فعلی شامل ۱۰ درس و ۲۰ واحد بوده و بر اساس تعریف، دروسی هستند که به فرهنگ، معارف و عقاید اسلامی و آگاهی‌های عمومی اختصاص دارد، ۴ درس در حوزه علوم اسلامی ارائه می‌شوند که عبارت‌اند از: معارف اسلامی ۱ و ۲ (چهار واحد)، اخلاق و تربیت اسلامی (دو واحد)، تاریخ اسلام (دو واحد) و متون اسلامی (دو واحد). گفتنی است که دروس متون اسلامی بیشتر با هدف یادگیری و تقویت زبان عربی در این برنامه گنجانده شده است.

اما، در دروس پیش‌دانشگاهی که شامل سه درس (۱۰ واحد) می‌شود، هیچ‌کدام با دروس اسلامی یا اقتصاد اسلامی مرتبط نیستند. در میان دروس اصلی نیز که ۲۴ درس و ۷۸ واحد را دربرمی‌گیرد، صرفاً دو درس (مبانی فقهی اقتصاد اسلامی به ارزش سه واحد و نظام اقتصادی صدر اسلام به ارزش دو واحد) به اقتصاد اسلامی مربوط می‌شود. به عبارت

دیگر، فقط حدود شش درصد از دروس اصلی دوره کارشناسی اقتصاد نظری، به دروس اقتصاد و مالیه اسلامی اختصاص دارد.

بررسی دروس اختصاصی اجباری نیز نشان می‌دهد که این دروس که خود شامل ۹ درس و ۲۸ واحد درسی می‌گردد، دربرگیرنده هیچ درسی در حوزه اقتصاد و مالیه اسلامی نیست. اما، در بین دروس اختصاصی اختیاری، که شامل ۲۷ درس است، تنها یک درس اختیاری با عنوان «بانکداری اسلامی» به ارزش دو واحد درسی به چشم می‌خورد. شایان ذکر است که در بین دروس اختصاصی اجباری و اختیاری در سایر گرایش‌های اقتصاد نیز به غیر از درس بانکداری اسلامی، هیچ درسی در حوزه اقتصاد و مالیه اسلامی وجود ندارد.

با توجه به آنچه مطرح شد و در یک جمع‌بندی ابتدایی، می‌توان عنوان کرد که با در نظر گرفتن دروس متون اسلامی به عنوان درسی که با علوم اسلامی مرتبط است، جمعاً ۱۰ واحد از مجموع ۲۰ واحد دروس عمومی (۵۰ درصد) به دروسی با زیربنا و آموزه‌های اسلامی اختصاص دارد؛ همچنین، از مجموع ۷۸ واحد دروس اصلی، صرفاً پنج واحد درسی (۶ درصد) به دروس اقتصاد اسلامی مربوط می‌شود. در بین دروس اختصاصی اختیاری نیز صرفاً یک درس دو واحدی (۳ درصد) به بانکداری اسلامی اختصاص دارد که متأسفانه در بسیاری از دانشگاه‌ها این درس اختیاری ارائه نمی‌شود (غفاری و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۳).

بنابراین، می‌توان ادعا کرد که به هر دلیل، دروس مرتبط با اقتصاد اسلامی در برنامه مصوب وزارت علوم برای رشته اقتصاد جایگاه مناسبی نداشته و این خود زمینه طرح سؤال و پس از آن تدوین پایان‌نامه در حوزه اقتصاد اسلامی را برای دانشجویان فراهم نمی‌کند.

همچنین، شایان ذکر است که مسئله عدم ارتباط مناسب بین دروس اقتصاد اسلامی و سایر دروس، خود یکی دیگر از چالش‌های وضع موجود است. دلیل این امر آن است که در حال حاضر هیچ‌گونه برنامه‌ای در رابطه با نحوه تعامل دروس اقتصاد اسلامی با سایر دروس متعارف رشته اقتصاد وجود ندارد و در نتیجه دروس اقتصاد اسلامی همچون جزایری جدا افتاده نسبت به سایر دروس رشته اقتصاد ارائه می‌شود. نتیجه طبیعی این امر در عمل آن بوده است که دروس مرتبط با اقتصاد اسلامی نتوانستند به جایگاه مناسب خود دست پیدا کنند (پوریزدان‌پرست، ۱۳۸۳: ۱۰). مسلماً، فقدان چنین ارتباطی، توانایی دانشجویان را در کشف سؤالات پژوهشی مناسب به منظور انجام تحقیقی جامع به عنوان پایان‌نامه با مشکل مواجه می‌سازد.

۳،۵ سنجی و ریاضی‌زدگی

در انتخاب موضوع پایان‌نامه، برای دانشجوی این پرسش مطرح است که دانشگاه و اعضای هیئت علمی برای چه موضوعات و روش‌هایی اهمیت بیشتری قایل هستند. به نظر می‌رسد پایان‌نامه‌هایی که در گذشته تدوین شده‌اند، الگوی مطمئنی برای انتخاب موضوع پایان‌نامه‌های جدید هستند، زیرا خطر گرفتار شدن در موضوعات «غیرمتعارف» و روش‌های «نامقبول» را از میان می‌برند. همان‌طور که در بخش قبل نیز مطرح شد، مطالعه عناوین و چکیده برخی از پایان‌نامه‌های اقتصادی در دانشگاه‌های مختلف، به وضوح نشان می‌دهد که پایان‌نامه‌هایی که در آن‌ها از الگوهای ریاضی و سنجی مشخص استفاده شده‌است، «کم‌درسترین» موضوعات پژوهشی هستند. به همین جهت، به‌کارگیری الگوهای ریاضی و اقتصادسنجی در پایان‌نامه‌ها و حتی در تحقیقات، در طول زمان از وزن و اهمیت بسیار بالایی برخوردار شده‌است (کریمی، ۱۳۸۳: ۹؛ مالجو، ۱۳۸۱: ۸).

در مقابل، ورود دانشجویان به عرصه‌هایی از مسائل اقتصاد اسلامی و حتی اقتصاد متعارف، که نتوان چنین الگوهایی را به‌کاربرد، بسیار پرهزینه بوده و احتمال برخورد با مشکلات جدی در فرآیند تدوین و دفاع از پایان‌نامه را افزایش می‌دهد. این در حالی است که طی دو دهه اخیر توجه به مسائل غیرکمی در پژوهش‌های اقتصادی، در محافل علمی افزایش یافته و در برخی موارد جایزه نوبل اقتصاد به برخی از پژوهش‌های مهم اقتصاد نهادگرا تعلق گرفته‌است؛ به عنوان نمونه، جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۹۸ به پروفیسور سن، به دلیل تأکید بر اهمیت دموکراسی در کاهش خطر قحطی تعلق گرفت (کریمی، ۱۳۸۳: ۸). خطر ریاضی و سنجی‌زدگی در اقتصاد به حدی است که کوز، اقتصاددان نهادگرا و برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۹۲، اقتصاد متعارف را به لحاظ ریاضی‌وارکردن افراطی این علم، اصرار بر تأثیر یک‌طرفه علم اقتصاد بر سایر رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی و خودداری از مطالعه درباره نهادها در نظام اقتصادی، مورد انتقاد شدید قرار می‌دهد (Coas, 1994: 18).

مجموعه عوامل یادشده منجر به آن شده است که دانشجویان در تدوین پایان‌نامه عمدتاً نگران روش کار، مدل‌سازی ریاضی و معناداری آماری باشند و کمتر به مرتبط و مفید بودن محتوای تحقیقات توجه کنند. اساتید نیز (صریحاً و یا ضمنی) پذیرفته‌اند که نسبت به عدم تطابق (و یا حتی تعارض) فرضیه‌ها و یافته‌های پژوهش‌ها با مفاهیم اقتصاد اسلامی و یا

واقعیت‌های اقتصاد ایران سختگیری بسیاری نشان‌دهند. گفتنی است مسئله ریاضی‌زدگی در تدوین پایان‌نامه در حوزه اقتصاد اسلامی اهمیت بیشتری دارد، چراکه در اقتصاد اسلامی، به دلیل جدیدبودن بسیاری از مباحث، ابعاد نظری تحقیقات قوی‌تر بوده و لذا امکان مدل‌سازی ریاضی و انجام کارهای سنجی در رابطه با آن‌ها (در اکثر موارد) فراهم نیست (صدیقی، ۱۳۸۹: ۴۲).

۴,۵ کمبود منابع و جدیدبودن بسیاری از مباحث در حوزه اقتصاد اسلامی

یکی از قسمت‌های مهم تمامی پژوهش‌ها (از جمله پایان‌نامه‌ها)، بخش مروری بر ادبیات تحقیق است، به نحوی که هرچه نویسنده منابع قوی‌تری در اختیار داشته باشد، می‌تواند تحقیق قوی‌تر و مناسب‌تری تدوین نماید. اما، در حوزه اقتصاد اسلامی، بسیاری از موضوعات (یا کاملاً و یا نسبتاً) جدید هستند و لذا ادبیات کافی در رابطه با آن‌ها وجود ندارد که این خود فرآیند پژوهش را سخت می‌کند به منظور درک واقعی ضعف منابع در حوزه اقتصاد اسلامی، کتب موجود در کتابخانه‌های نمونه‌ای از دانشگاه‌های کشور در جدول‌های ۲ و ۳ مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۲. کتب فارسی موجود در کتابخانه‌های دانشکده‌های اقتصاد در حوزه اقتصاد و بانکداری اسلامی

نسبت کتب فارسی مرتبط با اقتصاد اسلامی به کل کتب اقتصادی (درصد)	تعداد کتب فارسی موجود در کتابخانه در حوزه اقتصاد اسلامی	تعداد کتب فارسی موجود در کتابخانه در حوزه اقتصاد	دانشگاه
۱۳/۱	۱۸۵	۱۴۱۷	دانشگاه تهران
۱۲/۲	۱۹۱	۱۵۶۰	دانشگاه شهید بهشتی
۹/۲	۱۵۲	۱۶۵۰	دانشگاه علامه طباطبایی
۱۹/۳	۴۲۴	۲۱۸۹	دانشگاه امام صادق (ع)
۱۳/۳	۱۷۹	۱۳۴۳	دانشگاه تربیت مدرس
۸/۵	۹۵	۱۱۱۶	دانشگاه الزهرا
۱۱/۱	۲۶۲	۲۳۵۱	دانشگاه مفید
۹/۸	۹۳	۹۴۱	دانشکده علوم اقتصادی

۱۲/۶	۱۹۸	۱۵۷۱	میانگین دانشگاه‌ها
۱۲/۶	۱۵۸۴	۱۲۵۶۸	کل دانشگاه‌ها
* منبع: تارنمای کتابخانه‌های دانشکده‌های اقتصاد در زمان انجام تحقیق.			

جدول ۳. کتب انگلیسی موجود در کتابخانه‌های دانشکده‌های اقتصاد در حوزه اقتصاد و بانکداری اسلامی

نسبت کتب انگلیسی مرتبط با اقتصاد اسلامی به کل کتب اقتصادی (درصد)	تعداد کتب انگلیسی موجود در کتابخانه در حوزه اقتصاد اسلامی	تعداد کتب انگلیسی موجود در کتابخانه در حوزه اقتصاد	دانشگاه
۲/۳	۲۳	۹۹۳	دانشگاه تهران
۱/۳	۲۲	۱۵۷۷	دانشگاه شهید بهشتی
۱/۱	۱۴	۱۲۲۱	دانشگاه علامه طباطبائی
۹/۷	۱۵۳	۱۶۸۷	دانشگاه امام صادق (ع)
۱/۱	۱۰	۹۸۴	دانشگاه تربیت مدرس
۱/۲	۹	۷۶۵	دانشگاه الزهرا
۲/۱	۶۲	۲۸۵۳	دانشگاه مفید
۶/۲	۸	۱۲۹	دانشکده علوم اقتصادی
۲/۸	۳۷	۱۲۷۶	میانگین دانشگاه‌ها
۲/۸	۲۹۶	۱۰۲۰۸	کل دانشگاه‌ها
* منبع: تارنمای کتابخانه‌های دانشکده‌های اقتصاد در زمان انجام تحقیق.			

با توجه به اطلاعات جدول، می‌توان گفت اگر آمار کل دانشگاه‌ها در نظر گرفته شود، تنها درصد کمی از کتب اقتصادی به حوزه اقتصاد اسلامی مرتبط هستند (۷/۷ درصد کتب فارسی و ۲/۹ درصد کتب انگلیسی) که این خود نشان‌دهنده فقر منبع در حوزه اقتصاد اسلامی است. مسلماً، این ضعف منبع، انجام پژوهش و به طور خاص تدوین پایان‌نامه را در این حوزه با مشکل جدی مواجه می‌سازد.

بنا بر آنچه عنوان شد، می‌توان گفت جمع‌آوری منابع (کتب، مقالات و غیره) در این حوزه اگر بتواند توسط مؤسسه‌ای انجام شود (مثلاً توسط انجمن اقتصاد اسلامی ایران)، کاری بسیار مناسب خواهد بود و می‌تواند به صرفه‌جویی در وقت و هزینه محققان بینجامد.

اما، متأسفانه در نظام فعلی، الگوی مشخصی برای جمع‌آوری و دسته‌بندی تحقیقاتی که دانشجویان و اساتید در حوزه اقتصاد اسلامی انجام می‌دهند، وجود ندارد. در واقع، در بسیاری از موارد، حتی مسئولان دانشکده‌ها متوجه نمی‌شوند که دانشجو و یا استادی خاص مشغول تحقیق بر روی موضوعی در حوزه اقتصاد اسلامی است. چه بسیار تحقیقات درسی که دانشجویان می‌نویسند (و بعضاً دارای نوآوری‌های اولیه قابل توجهی نیز می‌باشد)، ولی هیچ‌کس جز دانشجو و استاد از آن‌ها مطلع نیستند و در جایی هم ثبت نشده است. لذا، اگر فرد دیگری بعدها بخواهد دقیقاً درباره همان موضوع تحقیق انجام دهد، مجبور است دوباره کار را از صفر شروع کند. در حالی که اگر نظام پژوهشی به نحوی بود که پژوهش فرد نخست را در اختیار فرد دوم قرار می‌داد، مسلماً سرعت تحقیق و بازده کار فرد دوم بسیار بالاتر می‌بود. این امر حقیقتاً ضعیفی جدی در نظام فعلی پژوهش اقتصاد اسلامی به حساب می‌آید و لذا ضروری است که تدابیری اتخاذ شود که تحقیقات اقتصاد اسلامی در طول هم انجام شود و نه در عرض هم.

۵,۵ در اختیار نداشتن پرسش‌های پژوهشی مناسب

یکی دیگر از چالش‌های مهمی که به نظر می‌رسد تدوین پایان‌نامه در حوزه‌های گوناگون اقتصاد اسلامی را با مشکل مواجه سازد، مسئله پرسش پژوهشی است. در توضیح باید گفت به نظر می‌رسد نخستین و مهم‌ترین مرحله در تدوین پایان‌نامه در هر حوزه‌ای (از جمله اقتصاد اسلامی)، مسئله پرسش پژوهشی مناسب باشد؛ پرسشی که به ماهیت تحقیق و شیوه انجام آن جهت می‌دهد. از این رو، در اختیار نداشتن پرسش پژوهشی مناسب در رابطه با حوزه‌های مفهومی و کاربردی اقتصاد اسلامی، تدوین پایان‌نامه را در این حوزه با مشکل جدی مواجه می‌نماید. شاید دور از ذهن نباشد که گفته شود در حال حاضر یکی از مهم‌ترین موانع تدوین پایان‌نامه در حوزه اقتصاد اسلامی، در اختیار نداشتن پرسش‌های پژوهشی مناسب توسط دانشجویان و اساتید است.

۶,۵ ضعف مقررات و قوانین موجود

در حال حاضر، مقررات و قوانین تدوین پایان‌نامه به گونه‌ای است که دانشجویان را به انجام کارهای مفهومی در حوزه اقتصاد اسلامی ترغیب نمی‌کند، بلکه انگیزه آنان را تضعیف

نیز می‌کند. همچنین، ساختار انگیزشی مناسبی برای تشویق دانشجویان و اساتیدی که به موضوعات مفهومی و کاربردی در حوزه اقتصاد اسلامی می‌پردازند، وجود ندارد؛ بدین معنی که شیوه فعلی پژوهش در این حوزه این گونه است که معمولاً دانشجوی زمانی که یک پرسش خوب درباره اقتصاد اسلامی برایش مطرح می‌شود، با انگیزه‌ای بالا وارد پژوهش می‌گردد و سعی می‌کند این موضوع را به عنوان پایان‌نامه انتخاب کند، اما معمولاً با گذشت زمان و آشکار شدن سختی تبدیل ایده به طرح، پژوهش روند فرسایشی پیدا کرده و دانشجوی آرام‌آرام انگیزه خود را از دست می‌دهد و نهایتاً کار بدون نتیجه باقی مانده و یا به صورت ناقص جمع‌بندی می‌شود. از این رو، به نظر می‌رسد تقویت قوانین و مقررات به نحوی که دانشجویان را در جهت تدوین پایان‌نامه‌های مفهومی و کاربردی در حوزه‌های مختلف اقتصاد اسلامی ترغیب کند، امری ضروری و بسیار مهم است.

۷.۵ حمایت‌های مالی ضعیف

بررسی تجربه دانشگاه‌های مختلف در موضوع حمایت مالی از پایان‌نامه‌های تدوین‌شده در حوزه اقتصاد اسلامی به خوبی نشان می‌دهد که معمولاً از این دسته پایان‌نامه‌ها حمایت‌های مالی مناسبی نمی‌شود؛ و در مواردی هم که برای پایان‌نامه‌های مرتبط با اقتصاد اسلامی اولویت تأمین مالی در نظر گرفته می‌شود، رتبه‌بندی درستی صورت نپذیرفته و بین پایان‌نامه‌های قوی و ضعیف تفاوتی در نظر نمی‌گیرند. به عبارت دیگر، همین که موضوع به نحوی به اقتصاد اسلامی مرتبط باشد، کفایت کرده و در رابطه با کیفیت آن ارزیابی مشخصی وجود ندارد. این در حالی است که به نظر می‌رسد لازم باشد میان پایان‌نامه‌های مختلف تفاوت قایل شد و به مواردی که قوی‌تر هستند، بودجه بیشتری تخصیص داد. علاوه بر این، در نظام فعلی گرچه از پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه اقتصاد اسلامی حمایت‌هایی صورت می‌گیرد، چون این حمایت‌ها هدفدار نبوده و اطلاع‌رسانی کافی نیز درباره آن‌ها انجام نمی‌شود، معمولاً دانشجویان به این حمایت‌ها علاقه بسیاری نشان نمی‌دهند.

۶. نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

یکی از راه‌های توسعه هر رشته‌ای از دانش، میزان تحقیقات و پژوهش‌هایی است که در آن حوزه انجام می‌شود. اقتصاد اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نبوده و لذا نمی‌توان به توسعه

این رشته امید داشت، اما به پژوهش‌ها و به طور خاص پایان‌نامه‌هایی که در این حوزه تدوین می‌شود، بی‌توجه بود. این تحقیق تلاش کرد تا ضمن شناسایی وضع موجود تدوین پایان‌نامه در حوزه اقتصاد اسلامی (از طریق بررسی نمونه‌ای پایان‌نامه‌های تدوین‌شده در دانشگاه‌های کشور)، موانع موجود در این زمینه را نیز مورد ارزیابی قرار دهد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد به دلیل مشکلاتی که در زمینه پژوهش در حوزه اقتصاد اسلامی وجود دارد، بخش قابل توجهی از پایان‌نامه‌های دفاع‌شده در دانشگاه‌های کشور در حوزه اقتصاد، به موضوعات اقتصاد متعارف پرداخته و در بهترین حالت همان موضوعات را برای اقتصاد ایران کاربردی کرده‌اند. از این رو، مواردی که در آن مستقیماً به حوزه‌های مفهومی و کاربردی اقتصاد اسلامی توجه شده باشد، بسیار محدود است.

با توجه به بررسی وضع موجود و همچنین آسیب شناسی انجام‌شده در این تحقیق، به نظر می‌رسد می‌توان پیشنهادهایی نیز برای بهبود شرایط و تقویت کمی و کیفی پایان‌نامه‌هایی که در حوزه اقتصاد اسلامی تدوین می‌شوند، ارائه داد. در ذیل به برخی از این موارد می‌پردازیم:

۱. با توجه به اهمیت پژوهش در حوزه‌های مفهومی و کاربردی اقتصاد اسلامی، به نظر می‌رسد لازم باشد نظام رتبه‌بندی مناسبی در تأمین مالی پایان‌نامه‌ها اجرا شود. این نظام باید به صورتی باشد که ضمن رتبه‌بندی پایان‌نامه‌ها، از پژوهش‌های قوی‌تر حمایت بیشتری به عمل آورد.

۲. لازم است دانشکده‌های اقتصاد تدابیری اتخاذ کنند که از انجام پژوهش‌های تکراری و کم‌اهمیت در حوزه اقتصاد اسلامی جلوگیری شود؛ به نحوی که تحقیقات در طول هم حرکت کنند و نه در عرض هم.

۳. امروزه مسائل اقتصادی (تا چه رسد به مباحث اقتصاد اسلامی) به نحو فزاینده‌ای به موضوعاتی میان‌رشته‌ای مبدل شده‌اند و با توجه به دشواری الگوسازی ریاضی در برخی از مسائل اقتصادی میان‌رشته‌ای، چنانچه استفاده از الگوهای ریاضی و اقتصادسنجی نقش تعیین‌کننده‌ای در پایان‌نامه‌ها به خود اختصاص دهد و تحلیل تاریخی، تکمیل پرسشنامه، مصاحبه و نظرخواهی، تجزیه و تحلیل و نقد برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی، مقایسه عملکرد ایران با کشورهای صنعتی و کشورهای تازه‌صنعتی شده کم‌اهمیت تلقی شود، ناگزیر دانشجویان به انجام این دسته از پژوهش‌ها گرایش نخواهند داشت. از این رو، به نظر می‌رسد لازم باشد فرآیندها به نحوی اصلاح گردد که به ایجاد تنوع و چندصدایی در

عناوین پایان‌نامه‌ها بینجامد. فقط از این طریق است که می‌توان امیدوار بود کارهای تحقیقاتی مناسبی در حوزه اقتصاد اسلامی انجام شود.

۴. لازم است دانشکده‌های اقتصاد سازوکاری را در نظر بگیرند که همه‌ساله علاوه بر دانشجویان ممتاز، اساتید راهنما و مشاور، پایان‌نامه‌های جدید در حوزه اقتصاد اسلامی مورد تشویق ویژه قرار گیرند و به همین ترتیب، از اساتید راهنما و مشاور پایان‌نامه‌های تکراری و ضعیف درباره علل پذیرش چنین پایان‌نامه‌هایی توضیح خواسته شود.

۵. برگزاری نشست‌های تخصصی، همانند سمینارهای «آموزش و پژوهش اقتصاد اسلامی» فرصت مغتنمی برای آغاز تحولات مثبت در آموزش و پژوهش اقتصاد اسلامی در ایران است. ولی، باید ترتیبی اتخاذ کرد که پیشنهادهای ارائه‌شده در این سمینارها، از سوی نهادهای مسئول آموزشی و پژوهشی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سایر دستگاه‌های مربوط مورد بررسی قرار گرفته و تصمیمات لازم برای رفع مشکلات موجود اتخاذ شود.

۶. با توجه به اینکه ناآشنایی و ضعف علمی اساتید در موضوعات مرتبط با اقتصاد اسلامی، تأثیر بسیار منفی در توسعه ایده‌ها و سؤالات دانشجویی در مباحث مفهومی و کاربردی اقتصاد اسلامی به همراه داشته و این خود تدوین پایان‌نامه را در این حوزه با مشکل مواجه می‌سازد، پیشنهاد می‌شود دوره‌های دانش‌افزایی در موضوعات مختلف اقتصاد اسلامی برای اساتید رشته اقتصاد (که چون از همین نظام آموزشی فارغ‌التحصیل شده‌اند، با بسیاری از مباحث اسلامی ناآشنا هستند) برگزار گردد.

۷. پیشنهاد می‌شود انجمن اقتصاد اسلامی ایران وظیفه خطیر جمع‌آوری و دسته‌بندی کتب، مقالات نشریات، مقالات همایش‌ها، پایان‌نامه‌های تدوین‌شده و تحقیقات دانشجویی چاپ‌نشده در حوزه اقتصاد اسلامی را برعهده بگیرد. این کار به ایجاد پایگاهی غنی برای دانشجویانی منجر خواهد شد که علاقه‌مند به پژوهش در حوزه اقتصاد اسلامی هستند.

۸. پیشنهاد می‌شود انجمن اقتصاد اسلامی ایران و همچنین سایر مؤسسات فعال در حوزه اقتصاد اسلامی، خود را موظف به برگزاری نشست‌هایی با عنوان «نقد مقالات و کتب اقتصاد اسلامی» بدانند. مسلماً، برگزاری چنین نشست‌هایی به شفاف‌شدن دیدگاه‌ها منجر شده، زمینه‌های حرکت زنجیره‌وار تولید علم اقتصاد اسلامی را فراهم کرده و می‌تواند به ایجاد سؤالات تحقیقاتی مناسب در ذهن دانشجویان منجر گردد؛ سؤالاتی که خود می‌توانند مبنایی برای تدوین پایان‌نامه باشند.

۹. پیشنهاد می شود که مجموعه ای تحت عنوان «گروه مطالعه و تدوین کتب آموزشی اقتصاد اسلامی» زیر نظر انجمن اقتصاد اسلامی ایران تشکیل شود. این گروه موظف خواهد بود تا ضمن مطالعه پژوهش های اقتصاد اسلامی و دسته بندی آنها، مطالبی را که ارزش علمی آن را دارد که در کتب درسی بازتاب یابد، استخراج کند.

۱۰. با توجه به چالش ترجمه گرایی در آموزش اقتصاد در ایران (که قدمتی دیرینه دارد) و ضعف هایی که در آموزش و پژوهش اقتصاد اسلامی وجود دارد، اصلاح جامع و کلی دروس رشته اقتصاد در کوتاه مدت ممکن و مطلوب نیست، بلکه لازم است فرآیندی تدریجی و مدت دار در این زمینه اتخاذ گردد تا با برنامه ریزی های برنامه ای و فرابراهی برای کوتاه و میان مدت، امکان دستیابی به اهداف در بلندمدت ایجاد گردد. به طور مشخص پیشنهاد می گردد که در برنامه درسی موجود رشته اقتصاد در ایران، برخی از دروس جداگانه به بررسی مبانی اقتصاد اسلامی بپردازند (مثلاً در قالب دروس اقتصاد اسلامی ۱ و ۲) و علاوه بر این، در کنار آموزش برخی از سرفصل های دروس رشته اقتصاد، نقد این مباحث از دیدگاه اسلامی نیز گنجانده شود؛ مثلاً، در درس اقتصاد کلان، در کنار بیان نظریات مصرف متعارف، مبانی و فرضیات این نظریات بیان و فقط نقد گردد و از بیان دیدگاه اسلامی جدید خودداری شود. البته، در میان مدت لازم است ضمن تقویت این نقدها به لحاظ کمی و کیفی، تلاش شود تا نظریات اسلامی نیز در کنار نظریات متعارف تولید و در آموزش وارد شود. با این فرآیند می توان امیدوار بود که در بلندمدت، حجم مطالب و نظریات اسلامی در آموزش دروس افزوده و حجم مطالب و نظریات متعارف کاسته گردد. مسلماً، وجود چنین نظام آموزشی، زمینه تحریک ذهن دانشجویان و طرح سؤالات پژوهشی مناسب را بیش از پیش فراهم می نماید.

پی نوشت

۱. گفتنی است این معدود تحقیقات نیز معمولاً محصول نشست های تخصصی است که پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس در سال های مختلف برگزار کرده است.
۲. شایان ذکر است که منبع مورد استفاده برای تهیه این جدول، صرفاً اطلاعات موجود بر روی تارنمای دانشکده های اقتصاد در زمان انجام این تحقیق بوده است.
۳. در این بررسی هم پایان نامه های مقطع کارشناسی ارشد و هم مقطع دکتری مورد ارزیابی قرار

گرفته‌اند. همچنین لازم به ذکر است که اعداد موجود در ستون آخر، هم شامل پایان‌نامه‌هایی می‌شود که هیچ ارتباطی به اقتصاد اسلامی ندارند و هم شامل پایان‌نامه‌هایی می‌شود که ارتباط محدودی به اقتصاد اسلامی دارند.

۴. توجه شود که در این بررسی، پایان‌نامه‌هایی با عناوینی چون «بررسی وضعیت اقتصادی مسلمانان در صدر اسلام»، «مبانی فقهی احتکار»، «خمس: بررسی فقهی - تاریخی»، «سیستم‌های پولی: تحلیلی تطبیقی - فقهی»، «ساختار بازار در نظام اقتصاد اسلامی»، «نقش حکومت در اقتصاد اسلامی: با تکیه بر برنامه‌ریزی اقتصادی»، «مالکیت حاصل از تجارت در اسلام»، «تحلیلی از مفاهیم بهره‌وری و ربا در اقتصاد اسلامی»، «بررسی مالیه عمومی در نظام اقتصاد اسلامی»، «تحلیلی پیرامون مبانی و مفاهیم الگوهای رشد و توسعه اقتصادی در نظام اقتصاد اسلامی»، «بررسی تطبیقی اصول، مبانی و روش‌های تأمین درآمدهای دولت در نظام اقتصاد سرمایه‌داری و اسلام» و کلاً تمامی پایان‌نامه‌هایی که به نحوی در حوزه‌های مفهومی و کاربردی اقتصاد اسلامی قرار می‌گرفتند، شمارش شده‌اند. در واقع، شاخصی که برای سنجش قرارداد داشتن پایان‌نامه در حوزه اقتصاد اسلامی به‌کار گرفته شد، میزان استفاده از منابع و متون دینی و یا ادبیات موجود در حوزه اقتصاد و بانکداری اسلامی بود.

منابع

- پوریزدان‌پرست، محمد‌هاشم (۱۳۸۳). «لزوم تحول در آموزه‌های علم اقتصاد»، مجموعه مقالات دومین همایش آموزش و پژوهش علم اقتصاد در ایران، مرکز تحقیقات اقتصاد ایران.
- دادگر، یدالله (۱۳۸۴). «اصلاح ابعادی از آموزش اقتصاد ایران به مثابه نزدیک شدن به اقتصاد بومی و دینی»، مجموعه مقالات چهارمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس.
- دانشکده علوم اقتصادی: <http://www.ues.ac.ir/>
- دانشگاه الزهرا: www.alzahra.ac.ir
- دانشگاه امام صادق (ع): <http://www.isu.ac.ir/>
- دانشگاه تربیت مدرس: <http://www.modares.ac.ir/>
- دانشگاه تهران: <http://ut.ac.ir/>
- دانشگاه شهید بهشتی: <http://www.sbu.ac.ir/sitepages/home.aspx>
- دانشگاه علامه طباطبایی: <http://atu.ac.ir/>
- دانشگاه مفید: <http://www.mofidu.ac.ir>
- درخشان، مسعود (۱۳۸۱). «بحران تفکر اقتصادی در ایران»، مجموعه مقالات اولین همایش دستاوردهای آموزشی و پژوهشی علم اقتصاد در ایران، مرکز تحقیقات اقتصاد ایران.

- صدر، کاظم (۱۳۸۲). «عملکرد آموزش اقتصاد اسلامی در رشته اقتصاد در دانشگاه‌ها»، مجموعه مقالات اولین نشست تخصصی مدرسان دروس اقتصاد اسلامی، پژوهشکده اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس.
- صدیقی، محمد نجات‌الله (۱۳۸۹). *ریا، بهره بانکی و حکمت تحریم آن در اسلام*، ترجمه حسین میسمی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- طباطبایی، علامه محمدحسین (۱۳۷۰). *تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- غفاری، هادی؛ علی یونسی؛ و علی آشتیانی (۱۳۸۹). «بررسی تطبیقی دروس رشته تحصیلی اقتصاد در ایران و مالزی با تأکید بر آموزش دروس اقتصاد اسلامی»، ارائه شده در نهمین نشست تخصصی اساتید و مدرسان اقتصاد اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- کریمی، زهرا (۱۳۸۳). «ارزش کاربردی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد اقتصاد»، مجموعه مقالات دومین همایش آموزش و پژوهش علم اقتصاد در ایران، مرکز تحقیقات اقتصاد ایران.
- مالجو، محمد (۱۳۸۱). «تغییر گفتار اقتصادی در آینه مجله تحقیقات اقتصادی»، مجموعه مقالات اولین همایش آموزش و پژوهش علم اقتصاد در ایران، مرکز تحقیقات اقتصاد ایران.
- مکارم شیرازی و دیگران (۱۳۷۲). *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- میسمی، حسین (۱۳۸۹). «ارائه رویکرد تلفیقی در توسعه نظام آموزش اقتصاد اسلامی»، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع).
- نظرپور، محمدنقی (۱۳۸۲). «ضرورت تجدیدنظر در کیفیت آموزش اقتصاد اسلامی»، مجموعه مقالات اولین نشست تخصصی مدرسان دروس های اقتصاد اسلامی، پژوهشکده اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس.

Coase, Ronald (1994). *Essays on Economics and Economists*, Chicago: University of Chicago Press.

Fulton, O.; and J. Enders (2002). *Higher Education in Globalized World*, NY, Springer.

Lloyd, I. (1976). *Philosophy and the Teachers*, London: Routledge.

North, D. (1990). *Institutions, Institutional Changes, and Economic Performance*, Cambridge: Cambridge University Press.

Pulliam, J. (2002). *History of Education*, New York: Prentice Hall.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی